

کلیتون بیرد و سفر

ریز زمینی اش

نویسنده: ریتا ریچر - گارسیا

مترجم: سمانه سعید



واحد کدوک و نوچوان
انتشارات ابو عطاء

سرشناسه	: ویلیامز - گارسیا، ریتا Williams-Garcia, Rita
عنوان و نام پدیدآور	: کلinton بیرد و سفر زیرزمینی اش / نویسنده ریتا ویلیامز گارسیا / مترجم سمانه سعید / ویراستار عوض لطیفی.
مشخصات نشر	: تهران: ابوعطا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-170-316-7:
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: عنوان اصلی: Clayton Byrd goes underground, 2017.
موضوع	: داستان‌های نوجوانان انگلیسی-- قرن ۲۰م.
موضوع	: Young adult fiction, English-- 20th century
شناسه افزوده	: سعید، سمانه، ۱۳۷۱-، مترجم
شناسه ده	: لطیفی، عوض، ۱۳۳۰-، ویراستار
زبان	: PZV/ ۱۳۹۷ ک ۹۷/۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۸۲۳ [ج] ۹۱۴
شماره کتابشناس ملی	: ۵۵۹۱۶۲۰



واحد و ده و هشتاد و پنج
انتشارات ابوعطا

کلیه حقوق این کتاب و این که منحصراً محفوظ و درج نام یا هر قسمت از آن در نشریات یا کتاب‌های دیگر و ...
منعاً به کسب اجازه کتبی از ناشر است.

- عنوان کتاب: کلinton بیرد و سفر زیرزمینی اش
- ناشر: انتشارات ابوعطا
- نویسنده: ریتا ویلیامز گارسیا
- مترجم: سمانه سعید
- ویراستار: عوض لطیفی
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: آتلیه طراحی انتشارات ابوعطا
- لیتوگرافی: باختر
- چاپ و صحافی: نقش‌نیزار
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- شابک: ۷-۳۱۶-۱۷۰-۹۶۴-۹۷۸
- نشانی: تهران • خیابان آزادی • خیابان جمالزاده جنوبی • نیش کوچه • بیری • اختتام ۱۴۰ • پلاک ۹۴ • واحد یک • کد پستی: ۱۳۱۳۸۳۶۳۷۱
- تلفن: ۶۶۲۳۱۲۹۱ (خط ۱۰) ۰۹۳۸۳۳۸۰۴۷۹
- وبسایت: www.abooata.com
- پست الکترونیک: info@abooata.com abooatapublication@gmail.com
- اینستاگرام: abooata_publication

- نوبت چاپ: اول
- سال انتشار: ۱۳۹۸
- قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



وظیفه‌ی ما حفظ و نگهداری محیط زیست برای آیندگان است.
مفتخریم که برای تهیه این کتاب هیچ درختی قطع نشده است
و رنگ کاغذ آن به سلامت چشم‌ها آسیبی نمی‌رساند.

مقدمه‌ی مترجم

موسیقی به‌عنوان شاخه‌ی تأثیرگذاری در هنر، رسالت حفاظت از سنت‌های جوامع و اشاعه‌ی آنها را در ادوار و سرزمین‌های مختلف بر عهده دارد. با تشکیل جوامع انسانی و اجتماعی در طول تاریخ و غلبه‌ی سلیقه‌های ارجح فرهنگی و نبرد آنها در دسته‌ی فرهنگ پاپ، یا عامه‌پسند، سنت‌هایی که با پیدایش خود در جریان‌های تاریخی جامعه، بقای فرهنگی بعضی از آداب و رسوم مردم را تضمین می‌کنند، به‌تدریج رفته رفته می‌شوند. به‌طورمثال، در جامعه‌ی کنونی، با رخنه‌کردن موسیقی پاپ در اکثر گفت‌وگوهای روزمره، میزان توجه افراد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، به موسیقی پاپ و سنتی ایرانی کاهش یافته است. کتاب پیش رو، دعوت خوانندگان نوجوان به سفر ادبی است؛ سفری که در آن شخصیت اول داستان، کلیتون بیرد، با کدوم، رنار، افکار و تصمیم‌هایش می‌جنگد تا موسیقی محلی سیاه‌پوستان، موسیقی بلوز که سوابق محزون و معنوی دارد، در جامعه‌ی معاصر کم‌جان نشود و به حضارش در صحنه‌ی موسیقی ادامه دهد.

به‌نظر افراد پیرو جریان‌های عامه‌پسند، کلیتون سازدهنی می‌زند، اما به‌نظر نوازندگان بلوز و خودِ کلیتون، تخصص او در هارپ بلوز است. با توجه به اینکه در ساختار سازدهنی و سازدهنی مخصوص موسیقی بلوز، تفاوت چندانی نیست و تفاوت در ایجاد نوای سازها در بافت موسیقی است، در ترجمه‌ی این کتاب

مناسب دیدیم که از کلمه‌ی «هارپ» برای سازدهنی مخصوص موسیقی بلوز استفاده کنیم. در زبان انگلیسی به این سازدهنی خاص Blues Harp گفته می‌شود که توانایی ایجاد ملودی دیاتونیک دارد؛ در صورتی که سازدهنی معمولی قادر به ایجاد نوای کروماتیک است. به همین سبب، برای ایجاد تمایز بین سازدهن: موسیقی‌های دیگر و موسیقی بلوز ترجیح دادیم تفاوت‌ها را حتی در د طرح نامگذاری سازدهنی‌ها هم القا کنیم.

امید است نوجوانان عزیزی که ذهن پویای خود را با سفرهای پر از خیالات معصومانه و برای کلیتون همراه می‌سازند، به این مهم دست پیدا کنند که هنر تنها در هنر پاپ خلاصه نشده است؛ آداب و رسوم، فرهنگ و تاریخچه‌ی جوامع در تمام شاخه‌ی هنر نمود پیدا می‌کند و به حاشیه‌راندن هریک از این شاخه‌ها، نوعی کم‌لطفی به فرهنگ انسانی است. کلیتون بیرد، نماد نسل نو است که برای حفظ فرهنگ ریشه‌دارش تلاش می‌کند. هم‌سویی با چنین نگرش‌هایی می‌تواند جرعه‌های بی‌بدیلی در فکر انتقادی نوجوانان ما ایجاد کند؛ جرعه‌هایی که آینده‌ی فرهنگی پرفروغی را برای نسل بعد فراهم آورد.

«چرا باید خون دل بخورم تا به نوازنده‌ی واقعی بلوز بشم؟ چرا
حتماً باید از اعماق وجودم گریه کنم که اجازه‌ی تکنوازی داشته
باشم؟»

«بایبید کلیتون باعث شد که بابایی باحال و دیگر نوازندگان بلوز
او را آرام کنند. بعضی از کسانی که در قطار بودند و آنها را نمی‌شناختند
می‌خندیدند...»

«بهش قدر بکن. بردو چولو.»

«این قدر سخت نگیر، به روزی...»

«یا شاید به شبی...»

«خیلی زود وقتش می‌رسه، نزدیکه.»

بابایی باحال گفت: «فعلاً کار تو انجام بده. همین کاری که داری
به‌خوبی انجامش میدی.»

«به‌دقت نگاه کن، خونسرد باش. وقتی به اتفاقی بسته اصلاً
متوجهش نمی‌شی، مثل بارش بارون گریه می‌کنی و این استیک‌ها
روی سازت جاری می‌شن. اون موقع می‌فهمی وقتشه.»